



ORIGINAL RESEARCH PAPER

The Principle of Quality of Education in Iranian Law, in the Light of the Theory of Cultural Delay

Ruhollah Moazeni ¹, Roghayeh Sadeqiram ^{2*},  Ali Khaleghkhah ³

Received:

07 Dec 2022

Revised:

09 Feb 2023

Accepted:

17 Mar 2023

Available Online:

21 Mar 2023

Keywords:

Right to Education, Quality Principle, Cultural Delay, Non-compliance, Material Culture, Spiritual Culture.

Abstract

Background and Aim: The right to education is one of the most fundamental human rights from second generation of human rights in the Universal Declaration of Human Rights and the International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights, and obliges governments to implement it. The quality of education, one of the principles of this right, is a way to achieve other principles. The theory of cultural delay indicates the mismatch between the material and spiritual aspects of culture, which leads to a decrease in the quality of education, due to the lack of goals for this right. The purpose of this study is to investigate the principle of quality of education and explain it with cultural delay theory and its application to Iranian law to determine the extent to which this theory can justify the principle of quality of education in Iran.

Materials and Methods: This research is a library and documentary, using books, articles, internal regulations, international documents and French law, in an argumentative and analytical-descriptive method and is an applied research.

Ethical Considerations: All ethical principles have been observed in the writing stages of this research.

Findings and Conclusion: Iranian law has considered the principle of educational quality, but in some cases this principle has not been fully observed. The regulations of France are also cited as an example of comparable foreign law. The findings indicate that one of the dimensions of this theory is the principle of quality of education, but, although this principle is accepted in domestic law and international documents, this support is not comprehensive and effective, and in some cases, this principle has not been considered.

¹ Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Humanity, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran.

^{2*} Ph.D, Department of Criminal Law and Criminology, University Lecturer, Iran. (Corresponding Author)

Email: Roqayesadeqi@gmail.com

Phone: +989141544749

³ Associate Professor, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran.

Please Cite This Article As: Moazeni, R; Sadeqiram, R & Khaleghkhah, A (2023). "The Principle of Quality of Education in Iranian Law, in the Light of the Theory of Cultural Delay". *Interdisciplinary Legal Research*, 4(1): 28-42.



اصل کیفی بودن آموزش در حقوق ایران، در پرتو نظریه تأخر فرهنگی

روح الله مؤذنی^۱، رقیه صادقی رام^{۲*}، علی خالق‌خواه^۳

۱. استادیار حقوق عمومی، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

۲. دانش آموخته دکترای حقوق جزا و جرم‌شناسی، مدرس دانشگاه، ایران. (نویسنده مسؤول)

Email: Roqayesadeqi@gmail.com

۳. دانشیار گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۱۶ ویرایش: ۱۴۰۱/۱۱/۲۰ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۶ انتشار: ۱۴۰۲/۰۱/۰۱

چکیده

زمینه و هدف: حق آموزش، از اساسی‌ترین حقوق بشر بوده که در قالب نسل دوم حقوق بشر در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به رسمیت شناخته شده و دولت‌ها را ملزم به تحقق آن نموده است. کیفیت آموزش، یکی از عناصر این حق، راه‌کاری جهت تحقق دیگر عناصر مانند عدم تبعیض و همگانی بودن و تحقق اهداف این حق است. نظریه تأخر فرهنگی، بیان‌گر عدم تطابق جنبه‌های مادی و معنوی فرهنگ است که منتهی به کاهش کیفیت آموزش، به دلیل عدم تأمین اهداف این حق می‌باشد. هدف این پژوهش بررسی اصل کیفی بودن آموزش و تبیین آن با نظریه تأخر فرهنگی و تطبیق آن با قوانین ایران است تا مشخص شود که این نظریه، تا چه حدی می‌تواند توجیه‌کننده اصل کیفی بودن آموزش در ایران باشد.

مواد و روش‌ها: این پژوهش، کتابخانه‌ای و اسنادی، با بهره‌گیری از کتب، مقالات، مقررات داخلی، اسناد بین‌المللی و حقوق فرانسه، به روش استدلالی و تحلیلی-توصیفی بوده و پژوهشی کاربردی است.

ملاحظات اخلاقی: کلیه اصول اخلاقی حاکم در پژوهش، در نگارش این مقاله رعایت شده است.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: قوانین ایران، اصل کیفیت آموزشی را مورد توجه قرار داده‌اند، اما در مواردی این اصل به طور کامل رعایت نشده است. در این راستا، به مقررات کشور فرانسه نیز به عنوان نمونه‌ای از قوانین خارجی مورد مقایسه استناد می‌شود. یافته‌ها بیان‌گر این است که یکی از ابعاد نظریه تأخر فرهنگی، اصل کیفی بودن آموزش می‌باشد، گرچه این اصل، در قوانین داخلی و اسناد بین‌المللی مورد پذیرش قرار گرفته اما این حمایت، همه‌جانبه و کارا نبوده و در مواردی، این اصل مورد توجه قرار نگرفته است.

کلمات کلیدی: حق آموزش، اصل کیفی بودن، تأخر فرهنگی، عدم انطباق، حقوق ایران، فرهنگ مادی، فرهنگ معنوی.

مقدمه

۱- بیان موضوع

نظریه تأخر یا شکاف فرهنگی^۱، از سوی جامعه‌شناس آمریکایی به نام ویلیام آگبرن^۲ مطرح شده و بیان‌گر این است که تغییر دو یا چند واحد فرهنگی به هم پیوسته در یک جامعه و عدم تغییر واحدهای دیگر، منتهی به ایجاد ناهماهنگی و عقب افتادگی آن واحدها می‌شود (ووثوقی و نیک‌خلق، ۱۳۹۵: ۱۷۶ و ۱۷۷). این نظریه، با بیان تأخیر جنبه‌های معنوی فرهنگ نسبت به بعد مادی آن، به دنبال بررسی علت ناهماهنگی و عدم انطباق جنبه‌های مادی و معنوی فرهنگ می‌باشد. تأخر فرهنگی دارای شرایط چهارگانه شامل وجود دو عنصر، هماهنگی و سازگاری این دو عنصر در گذشته، تغییر یا تغییر بیشتر و سریعتر یکی از آن دو و کاهش مقدار هماهنگی و سازگاری میان آن‌ها می‌باشد (روح‌الامینی، ۱۳۸۱: ۱۲۵ و ۱۲۶). از بین رفتن هماهنگی میان جلوه‌ها و عناصر گوناگون فرهنگ، دیدگاه افراد جامعه را نسبت به ارزش‌های فرهنگی جامعه خدشه‌دار می‌کند. گرچه این امر، اغلب، اجتناب ناپذیر است، اما، از گذر آموزش و درونی کردن ارزش‌های جامعه، می‌توان از عنصر پیش افتاده، به نفع ارزش‌های جامعه و برای پیشبرد آن‌ها بهره جست. از سوی دیگر، گاه این تأخر، بیان‌گر نیاز به تعدیل در دیدگاه‌ها و حتی ارزش‌های اجتماعی است که می‌تواند باعث پیشرفت اجتماعی نیز شود.

حق آموزش، جزو حقوق مثبت و حقی از نسل دوم حقوق بشر است که مستلزم تعهد دولت‌ها به فراهم کردن امکانات و تضمین برخورداری افراد از آن است (Narveson, 2001: 58). ماده ۲۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸)، ماده ۱۳ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۹۶۶)، ماده ۹ اعلامیه اسلامی حقوق بشر (۱۹۹۰) و ماده ۲۸ کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۸۹)، اصول سوم و سی‌ام قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، برنامه پنجساله ششم توسعه و قانون اهداف و وظایف آموزش و پرورش (۱۳۶۶) و... این حق را مورد پذیرش قرار داده و تحقق آن را برعهده دولت قرار

داده‌اند. مقررات بین‌المللی، حق آموزش را از فراگیری علم و دانش در مدرسه و دانشگاه و مراکز آموزشی، به ارزش‌هایی چون احترام به حقوق دیگران، احترام به محیط زیست، ارزش‌های اخلاقی، بردباری و... گسترش داده‌اند (CRC, 2001: para.4).^۳ قوانین و مقررات داخلی نیز، بعد پرورشی و اخلاقی این حق را مورد توجه قرار داده و آموزش را هم شامل آموزش خواندن و نوشتن و هم شامل تربیت معنوی و روحی در خارج از مدرسه و دانشگاه و می‌دانند (عضدانلو، ۱۳۸۴: ۲۰ و ۲۱).^۴ منظور از آموزش در این پژوهش، آموزش رسمی در مدرسه و دانشگاه می‌باشد که تلاشی هدفمند برای انتقال مهارت‌ها و شیوه‌های تفکر است

حق آموزش، دارای عناصری چون همگانی بودن، عدم تبعیض، رایگان بودن، آزادی، اجباری و تدریجی بودن و کیفیت آموزش است که جزو جدایی‌ناپذیر آن به شمار می‌روند (Morgan, 2012: 11-14). برابری آموزش یکی از مسائلی است که در جامعه‌شناسی آموزش و پرورش مورد تاکید قرار گرفته و از ضروریات بحث تربیت برای دوری از تبعیض‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی می‌باشد (علاقه‌بند، ۱۳۹۸). کیفیت آموزش یا اصل کیفی بودن آموزش، یکی از مهم‌ترین ارکان و اصول این حق است و هدف از آن، آموزشی توانمندساز است که انسان را برای زندگی در جامعه آماده کند. این آمادگی، شامل توانایی اشتغال، زندگی در کنار دیگر اشخاص جامعه، احترام به دیگران، احترام به قانون و... است. چنان‌که بند ۱ اصل سوم قانون اساسی، اصول سیاست فرهنگی (۱۳۷۱)، قانون اهداف آموزش و پرورش (۱۳۶۶)، سند تحول بنیادین آموزش، اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی و ماده ۲۹ کنوانسیون حقوق کودک، پرورش روح و جسم، رشد شخصیت انسانی، قانون‌مداری، رواداری، اشتغال و... را از اهداف این حق می‌دانند که این موارد، از ویژگی‌های کیفی بودن آموزش می‌باشد.

^۳- Committee on the Rights of the Child.

^۴ - درخصوص تفاوت آموزش و پرورش، ر.ک: (راسخ، ۱۳۹۵)

^۱-Cultural Lag

^۲-William Ogburn

این صورت، نمی‌تواند تأمین کننده این حق باشد و برآمد آن، به وجود آمدن نسلی فاقد آموزش مناسب با کیفیت است.

۲- پیشینه پژوهش

منافی و کاظمی (۱۳۹۱)، در مقاله خود با عنوان «نقش نظام آموزش و پرورش در توسعه فرهنگی جامعه»، آموزش را دارای نقش اساسی در توسعه فرهنگی جامعه می‌داند. بریمانی و همکاران (۱۳۹۰) در مقاله خود با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر بهبود کیفیت آموزش عالی در دوره تحصیلات تکمیلی از دیدگاه دانشجویان این مقطع» و خدیوی و همکاران (۱۳۹۷)، در مقاله خود با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر کیفیت آموزش و تدریس در دانشگاه فرهنگیان (مطالعه موردی، پردیس‌های استان اردبیل)»، به صورت موردی به کیفیت آموزش پرداخته‌اند. برخی دیدگاه‌های جامعه‌شناسی و فلسفی هم‌چون کارکردگرایی، پراگماتیسم، ایده‌آلیسم و...، نیز به حق آموزش و کیفیت این حق، توجه کرده و پیشنهاداتی جهت تحقق این اصل ارائه کرده‌اند. اما پژوهش حاضر، کتابخانه‌ای و اسنادی، با بهره‌گیری از کتب، مقالات، مقررات داخلی، اسناد بین‌المللی و قانون اساسی فرانسه، به روش استدلالی و تحلیلی-توصیفی بوده و پژوهشی کاربردی است. این مقاله، پژوهشی میان‌رشته‌ای از رشته‌های بنیادین علوم انسانی شامل حقوق، علوم تربیتی و جامعه‌شناسی بوده و با تحلیل اصل کیفی بودن آموزش در حقوق ایران، فرانسه و اسناد بین‌المللی و تطبیق آن با نظریه آگبرن و پاسخگویی به این سؤال است که کیفی بودن آموزش در حقوق ایران، به چه میزان مورد توجه بوده و چگونه می‌توان براساس نظریه آگبرن، این اصل را تبیین کرد؟ برای این اساس، تاکنون، پژوهشی با این عنوان و محتوا ارائه نشده و از این جهت، پژوهشی نوین است. در این مقاله، ابتدا، نظریه تأخر فرهنگی و اصل کیفی بودن در اسناد بین‌المللی، قانون فرانسه و ایران بررسی و سپس ارتباط نظریه و تأخر فرهنگی کیفی بودن آموزش در حقوق ایران تبیین می‌شود.

۳- روش پژوهش

پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی است.

آموزش تابعی از فرهنگ جامعه است. سیاست آموزشی جامعه نمی‌تواند جدا از فرهنگ و سابقه تمدنی و مکتب و سنت علمی آن باشد (فرجی ارمکی، ۱۳۸۶: ۶۷). ازسوی دیگر، همه فرهنگ‌های جوامع بشری محصولی از نظام تربیتی است. تربیت، همان‌گونه که می‌تواند باعث شکل‌گیری نگرش‌های انسانی و مثبت شود، ممکن است با سهل‌انگاری‌ها و یکسوزگری‌ها، اثر معکوس داشته و همه چیز را با خود به نابودی بکشانند (رحیمی، ۱۳۸۸: ۲۰ - ۲۱). آموزش و فرهنگ، رابطه‌ای متقابل دارند. در اثر تحولات سریع اجتماعی و تأثیر آن در جنبه‌های فرهنگی امکان دارد که نسل جوان از میراث فرهنگی و اجتماعی جامعه خود فاصله گیرند و این امر منجر به نوعی تضاد فکری و عقیدتی بین آن‌ها شده و وحدت جامعه را متزلزل کند؛ آموزش، برای جلوگیری از این تضادها و حفظ هماهنگی فرهنگی باید با ایجاد جامعه‌پذیری به درک ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی جامعه کمک کند (سبحانی‌نژاد و منافی‌شرف‌آباد، ۱۳۹۰: ۲۶ - ۲۷).

تحول سریع در زمینه‌های علمی، به وجود آمدن فناوری‌های جدید، تغییر شیوه زندگی، افزایش ارتباطات میان جوامع با فرهنگ‌های مختلف، و... مستلزم تحول نظام آموزشی، به روز نمودن آموزش‌ها، فراهم کردن زمینه اشتغال متناسب با فناوری‌های نوین، آموزش رواداری و احترام به دیگران می‌باشد. نظام‌های آموزش و پرورش در قبال جامعه دو وظیفه می‌تواند داشته باشد؛ در جوامعی که حالت ایستایی دارند صحبت از انتقال صرف میراث فرهنگی مد نظر است ولی در جوامعی که حالت پویا دارند می‌تواند علاوه بر انتقال میراث فرهنگی به توسعه و گسترش میراث فرهنگی نیز بپردازد (شریعتمداری، ۱۳۹۲). انتقال فرهنگ اجتماعی و ارزش‌های جامعه را برعهده دارند و در این راستا، می‌بایست، سعی در به روز کردن محتوا و شکل آموزش، منطبق با نیازهای روز نموده و با ورود جلوه‌های مختلف از دیگر فرهنگ‌ها که ممکن است مغایر با ارزش‌ها و باورهای جامعه باشد، این جلوه‌ها را با فرهنگ جامعه تطبیق دهند. درواقع، محتوا و شرایط شکلی آموزش، می‌بایست منطبق بر نیازهای روز باشد، در غیر

بحث و نظر

۱- نظریه تأخر فرهنگی^۱

تأخر فرهنگی، مبتنی بر تأخیر و عقب‌افتادگی جلوه‌های مختلف فرهنگ، از یک‌دیگر است. آگبرن، بر آن است که هر فرهنگی دارای دوسویه جداگانه فرهنگ مادی^۲ فرهنگ غیرمادی یا معنوی^۳ می‌باشد که این سویه‌ها در هماهنگی با یکدیگر هستند. فرهنگ، به مجموعه آداب و رسوم، دانش، معارف و هنرهای یک قوم (معین، ذیل کلمه) و معیارهایی که زندگی معنوی یا روحی جماعتی را تشکیل می‌دهد تعریف شده است (شعاری‌نژاد، ۱۳۹۵: ۶۲). فرهنگ مادی سویه ملموس و قابل اندازه‌گیری فرهنگ است که اعضای پیشین جامعه آن را ساخته‌اند و با گذشت زمان به افراد دیگر رسیده است؛ درحالی‌که فرهنگ غیرمادی، سویه کیفی و بخش غیرقابل اندازه‌گیری فرهنگ همچون آداب و رسوم، زبان، آثار ادبی و هنر، آموزش و پرورش و... است (آگبرن و نیمکوف، ۱۳۸۸: ۱۴۲). فرهنگ، منجر به ایجاد هویت فردی و اجتماعی می‌گردد که شامل خصوصیتی است که دو نسبت محتمل را میان اشخاص و اشیاء برقرار می‌کند؛ شباهت و تمایز (گودرزی، ۱۳۸۴: ۳۳)؛ بنابراین، از یک‌سو دارای جنبه همگونی و از سوی دیگر دارای جنبه ناهمگونی است؛ همگونی با افراد و جامعه محل زندگی و ناهمگونی با دیگرانی که از نظر فرهنگی به آنان شباهتی ندارد.

برای فرهنگ، می‌توان دو بعد درونی و بیرونی در نظر گرفت. بعد درونی آن، هویت فردی و بعد بیرونی آن، اعمال و رفتار انسان است. فرق جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری نیز برگرفته از این دو بعد است. جامعه‌پذیری به فرایند انتقال ارزش‌های اجتماعی و فرهنگ جامعه به افراد گفته می‌شود (عضدانلو، ۱۳۸۴: ۲۱۴)؛ درحالی‌که فرهنگ‌پذیری، باور فرد به فرهنگ است (آگبرن و نیمکوف، ۱۳۸۸: ۱۴۲)؛ یعنی می‌توان گفت که فرهنگ‌پذیری، باور درونی و جامعه‌پذیری، راه و رسم و رفتار فرد، است. در فرایند اجتماعی شدن، انسان، شیوه زندگی در اجتماع و ارتباط با دیگران را می‌آموزد و آمادگی عملکرد

به عنوان یک عضو اجتماع را پیدا می‌کند (کوئن، ۱۳۸۷: ۷۴) و پس از آگاهی، نسبت به این ارزش‌ها، باور و اعتقاد پیدا می‌کند. هر جامعه‌ای فرهنگ خاص خود را دارد و بعد مادی و معنوی فرهنگ، با یکدیگر سازگارند و شکافی میان آن‌ها وجود ندارد. جامعه، باید افراد، را با فرهنگ خود هم‌نوا کند و حس وابستگی را در فرد ایجاد کند. حق آموزش نیز، حق فرهنگی بوده و از حق انسان به همکاری در زندگی فرهنگی جامعه، بهره‌مندی از پیشرفت‌های علمی، حفظ اخلاق و منافع اصولی، کسب علم و هنر و نگاه‌داشت هویت فرهنگی، زبانی و آداب و رسوم پشتیبانی می‌کنند (Conde, 2002: 55). ایجاد حس وابستگی یا به صورت مستقیم و از راه آموزش، در مدارس و خانواده صورت می‌گیرد یا به طور غیرمستقیم و با زندگی در اجتماع و ارتباط با دیگران و این امر، منجر به ایجاد هویت فردی و اجتماعی می‌شود.

آموزش و پرورش در هر جامعه‌ای متفاوت از جوامع دیگر است و با توجه به آداب و رسوم، فرهنگ تاریخ، مذهب و... متغیر است. نظام آموزشی هر جامعه‌ای باتوجه به جغرافیای خاص خود، نیازها، پیشینه تاریخی و ارزش‌های موجود، مفهوم می‌یابد (فرجی‌ارمکی، ۱۳۸۶: ۶۶)، هنگامی که فرهنگ جدیدی وارد جامعه می‌شود، اغلب، فرهنگ مادی پیش از فرهنگ معنوی، تغییر می‌کند. تغییر فرهنگ معنوی، به زمانی بیش‌تر نیاز دارد، به همین دلیل، میان عناصر فرهنگ ناسازگاری به وجود می‌آید (آگبرن و نیمکوف، ۱۳۸۸: ۴۲۲). فاصله زمانی میان تغییر فرهنگ مادی و معنوی است که شکاف فرهنگی را می‌آفریند. باتوجه به عدم انطباق زمانی فرهنگ مادی و معنوی، نظام آموزشی، نمی‌تواند پاسخ‌گوی تحولات موجود بوده و نه تنها جلوه معنوی فرهنگ آموخته نمی‌شود، بلکه ارزش‌های سنتی و دیرین جامعه نیز با چالش روبرو می‌شود (آزاد ارمکی، ۱۳۹۰: ۱۸۲). نتیجه چنین فرایندی، از یک سو، گرایش ناآگاهانه به بعد مادی فرهنگ وارداتی و از سوی دیگر، انکار یا مخالفت نظام آموزشی با این فرهنگ است (صادقی‌رام، ۱۳۹۹: ۱۳۵).

^۱ - Cultural Lag^۲ - Material Culture^۳ - Non-Material Culture, Spiritual Culture

۲- اصل کیفی بودن آموزش

کیفیت آموزش، اصلی است که در اسناد بین‌المللی، قوانین داخلی و قوانین دیگر کشورها مورد توجه می‌باشد. برهمن اساس، برای شناخت این اصل، افزون بر تبیین مفهوم اصل کیفیت آموزشی، بررسی آن در اسناد بین‌المللی پذیرفته شده توسط دولت ایران و قوانین داخلی ایران ضرورت دارد. قانون فرانسه نیز به عنوان نمونه‌ای از قوانین خارجی در این زمینه انتخاب شده، تا مشخص شود که کیفی بودن آموزش در قوانین ایران که براساس اصول دینی و مذهبی تدوین گردیده، چه تفاوت‌هایی با قوانین کشوری که براین اصول مبتنی نیست دارد. در این مبحث، ابتدا مفهوم اصل کیفی بودن آموزش مطرح شده، سپس به این اصل در اسناد بین‌المللی و حقوق فرانسه پرداخت می‌شود.

۲-۱- تبیین مفهومی اصل کیفی بودن آموزش

کیفیت در فرهنگ فارسی، چونی و چگونگی (معین، ذیل کلمه) و در لاتین، به چگونگی، استاندارد بالا، یا استاندارد چیزی در مقایسه با دیگری تعریف شده است (Hornby, 2007). براساس تعاریف لغوی، کیفیت آموزش، به معنای چگونگی برخورداری از این حق است. کیفیت آموزش می‌تواند به صورت سیستماتیک همه عناصر برنامه درسی اعم از نیازهای آموزشی، اهداف، محتوا، فعالیت یادگیری، معلم، دانش‌آموز، گروه‌بندی کلاس درس، مکان، زمان و ارزشیابی را شامل شود. افزون بر آن، برای تحقق کیفیت در امر آموزش، منابع انسانی، مادی و مالی را نیز مورد تدقیق قرار داد (بازرگان، ۱۳۹۹). در این زمینه می‌توان اذعان داشت که علیرغم این که کیفیت، ماهیت امر حق آموزش را به ذهن متبادر می‌کند، اما حق آموزش هم یک امر شکلی و مربوط به دسترسی و هم امری محتوایی به شمار می‌رود (CRC, 2001: para.3). شبکه بین‌المللی نهادهای تضمین کیفیت در آموزش عالی نیز دو تعریف از کیفیت را ارائه داده که شامل تطابق با استانداردهای از قبل تعیین شده و تطابق با رسالت و اهداف می‌گردد (به نقل از شهرکی‌پور، ۱۳۹۱: ۱۲۰). جنبه شکلی این حق، بر امکاناتی هم‌چون کلاس درس، ابزارهای آموزشی، تعداد معلمان و... و جنبه ماهوی آن به اهداف، محتوای دروس، توانایی معلمان و چگونگی

آموزش و پرورش در مدارس دلالت دارد. ساخت کافی و ایمن مدارس و کلاس‌های درس در مناطق محروم، تجهیز آن به امکانات نوین، وجود آموزگاران با ویژگی‌های اخلاقی و هوشی بالا، تدوین کتب درسی با محتوای قابل قبول برای تحقق اهداف حق آموزش، اجرای طرح‌های آموزشی در راستای تأمین اهداف مندرج برای این حق و... از جلوه‌های کیفی آموزش می‌باشند.

انسان برای زندگی در اجتماع، نیاز به توانایی‌هایی دارد که از راه آموزش به وی داده می‌شود. این توانایی‌ها، حقوق و تکالیف انسانی را به وی می‌آموزد (Morgan, 2012: 8)؛ ازاین‌رو، حق آموزش، حق توانمندساز و کلیدی به شمار می‌رود (Beiter, 2005: 28). حق آموزش با ایجاد علم و آگاهی در انسان، از یک‌سو، زمینه‌آشنایی و برخورداری وی از حقوقی را که لازمه زندگی در اجتماع و مشارکت سیاسی اوست و از سوی دیگر زمینه ایجاد صلح، امنیت، آرامش و پیشرفت جامعه را فراهم می‌آورد. برنامه توسعه سازمان ملل، سلامتی و رفاه و کیفیت آموزش را در از بین رفتن فقر و گرسنگی، ایجاد تساوی جنسیتی، قدرت اقتصادی، صلح، امنیت و... مؤثر می‌داند (United Nation Development Programme, 2016: 94). شیوه نگاه به آموزش و پرورش از جنبه اقتصاد آموزش و پرورش می‌تواند متفاوت باشد. اگر حاکمان یک جامعه، آموزش و پرورش به صورت یک امر یا نهاد مصرفی در نظر بگیرند، در این صورت هزینه‌هایی اختصاصی به آموزش را از دست رفته قلمداد خواهند نمود و سعی در صرفه‌جویی هر چه بیشتر در این زمینه خواهند داشت. اما اگر حاکمان یک جامعه، هزینه‌کرد بر آموزش و پرورش را یک امر سرمایه‌ای قلمداد کنند تخصیص بودجه به آموزش و پرورش را موجب گسترش جامعه خواهد دانست (عمادزاده، ۱۳۹۱). آموزش، با ایجاد ابتکار، بهبود وضعیت فیزیکی، افزایش آگاهی، حس اعتماد اجتماعی و همبستگی، در ایجاد سعادت و رفاه نقش دارد (UNESCO, 2010: para.55). اشتغال و رهایی از فقر نیز از توانمندی‌های دیگری است که با آموزش محقق می‌شود. بهبود وضعیت اقتصادی نیز، می‌تواند از وقوع جرم نیز پیشگیری کند (محسنی، ۱۳۹۴: ۳۴۱). این موارد، با آموزش مستقیم در

بی‌رمقی می‌کند (شارع‌پور، ۱۳۹۴: ۲۹۴). احترام به معلم در سطح جامعه، یکی از راه‌کارهای افزایش بهره‌وری معلمان و تربیت دانش‌آموزانی توانمند است. از عوامل مؤثر بر کیفیت فعالیت معلمان، توجه به شرایط مالی ایشان است. براساس یک رویکرد مدیریتی سیستماتیک، به آموزش باید به صورت یک مجموعه به هم پیوسته شامل منابع انسانی، منابع مادی و مالی توجه ویژه‌ای داشت. در این میان منابع انسانی موتور محرکه سازمان‌ها هستند. اگر منابع انسانی به لحاظ مالی تأمین نشوند، آنگونه که باید توان ادامه کار به صورت کامل در سازمان را نخواهند داشت. اگر بهداشت روانی معلمان به عنوان منابع انسانی آموزش مورد توجه قرار نگیرد براساس نظر هرزبرگ منجر به عدم کارایی خواهد شد (بازرگان، ۱۳۹۹). براساس تفسیر شماره ۱۳ کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، در عمل، شرایط معلمان در سال‌های اخیر وخیم‌تر شده است. مستنداً به توصیه‌نامه یونسکو درباره وضعیت معلمان (۱۹۹۶)،^۲ ارتقای شغلی، امنیت شغلی، انجام آزمایشات رایگان دوره‌ای، برگزاری دوره‌های ضروری، برخورداری از حقوق مناسب و... در افزایش بهره‌وری معلمان و افزایش کیفیت آموزش مؤثر است. سلامت روحی، توانمندی و علاقمندی به معلمی، خویشن‌داری، صداقت و پایبندی به ارزش‌های اخلاقی نیز از دیگر ویژگی‌های بایسته برای معلمان است (حجتی، ۱۳۷۴: ۱۲۱-۱۳۰). داشتن ویژگی‌هایی چون هوش، مسئولیت، مطالعات روزمره و فقدان ویژگی‌هایی چون خشونت، مشکلات اخلاقی، تعصب و... برای معلمان ضروری است. توصیه‌نامه یونسکو نیز پیشرفت آموزش و پرورش را در گروی توانایی معلمان می‌داند.

با بررسی مصادیق کیفی بودن آموزش، به نظر می‌رسد که پایبندی به اصول رایگان بودن و عدم تبعیض در آموزش برای تحقق این اصل ضروری است. براساس گزارش توسعه بانک جهانی در سال ۲۰۱۸، فقر یکی از موانع فرستادن کودکان به مدرسه است، به‌ویژه هنگامی که مدرسه از محل زندگی کودک فاصله زیادی داشته باشد (World Bank Group Flagship Report, 2018: 63). بر همین اساس

مدارس، تدوین کتب درسی با محتوا و اهداف مورد نظر و همچنین تربیت شهروندان خوب، از گذر اجرای برنامه‌های آموزشی متناسب با نظریات بنیادگرایانه یا پایدارگرایانه از طریق مدارس و رسانه‌های جمعی قابل تحقق است (گوتک، ۱۳۹۹).

۲-۲- محتوای اصل کیفی بودن آموزش در اسناد بین‌المللی
سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ (۲۰۱۵)،^۱ در بند ۲۵ مقدمه و بندهای ذیل هدف چهارم خود که در راستای تضمین برخورداری از حق آموزش است و نیز بیانیه اینچئون که در پی سند ۲۰۳۰ و با شعار «به سوی آموزش و یادگیری مادام‌العمر با کیفیت، برابر و فراگیر برای همه» تصویب شد، با تأکید بر کیفیت آموزش، خواستار تأمین این حق برای همگان، بدون تبعیض و به صورت رایگان است و از دولت‌ها می‌خواهد تا نسبت به بروز رسانی امکانات آموزشی مناسب برای کودکان، معلولان، زنان و مردان اقدام نمایند. در سند اینچئون (۲۰۱۵)، آموزش با کیفیت آموزشی است که به ارتقای مهارت‌ها، ارزش‌ها و رویکردهای لازم برای توانمندسازی شهروندان در جهت زندگی سالم، تصمیم‌گیری آگاهانه و رویارویی با چالش‌های محلی و جهانی کمک می‌کند. کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی^۲ که وظیفه تفسیر میثاق را برعهده دارد، در تفسیر عمومی خود از ماده ۱۳ میثاق، بر کیفی بودن آموزش تأکید کرده و بیان می‌دارد که مکان آموزش افزون بر استانداردهای لازم برای ساخت، باید از دید فیزیکی در دسترس بوده و در مکان‌هایی قابل دسترس که رفت و آمد به آن ممکن است ایجاد شود و با فناوری‌های نوین هم‌چون آموزش از راه دور در دسترس قرار گیرد. (CESCR, 1999: para.6).

معلمان نقش مهمی در تربیت کودکان دارند، بنابراین باید متناسب با این وظیفه، سرمایه‌گذاری‌های لازم جهت برخورداری آنان از حقوق مالی، معنوی و کرامت انسانی صورت گیرد. فقدان احترام، معلمان را دچار فرسودگی و

^۱ Transforming our world: the 2030 Agenda for Sustainable Development, 2015.

^۲ Committee on the Economic, Social and Cultural Rights.

^۳ Recommendation concerning the Status of Teachers, 1996.

۲-۳- محتوای اصل کیفی بودن آموزش در حقوق فرانسه

پس از بررسی محتوای اصل در اسناد بین‌المللی و قبل از بررسی حقوق ایران، این اصل در قانون اساسی فرانسه به عنوان نمونه‌ای از قوانین خارجی، بررسی می‌شود تا زمینه مقایسه دو نظام حقوقی متفاوت با دو منظر بینشی لاییک و مذهبی در خصوص دامنه و شمول محتوای اصل کیفیت آموزش روشن‌تر شود. براساس ماده ۱-۱۲۱ کد آموزش فرانسه، مدارس، مؤسسات آموزش عالی و کالج‌ها، در برنامه‌های آموزشی خود، به محتوای شناخت و رعایت حقوق افراد و تعارضات حقوق شهروندی و پیشگیری از بزه‌کاری توجه دارند و بدین‌وسیله، اقدام به تربیت انسان‌هایی قانون‌مدار می‌نمایند. اجرای آموزش‌هایی در راستای همیاری و مساعدت، مسئولیت‌پذیری نیز در این مدارس و مؤسسات برگزار می‌شود. مدارس و مؤسسات، دوره‌هایی را برگزار می‌کنند که محتوا و روش آنها، منطبق با تحولات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی فرانسه و تغییرات محیط پیرامون فرانسه در اتحادیه اروپا و فضای بین‌المللی است. تربیت بدنی، از آن جهت که موجب ایجاد سلامتی و نشاط در اشخاص می‌شود، علاوه بر این که از ملاک‌های کیفی بودن آموزش است، می‌تواند بر کیفیت زندگی نیز تاثیرگذار باشد.

در ماده ۱-۱۲۱ کد آموزش فرانسه فعالیت‌های ورزشی و تاکید بر آموزش تربیت بدنی برای دانش‌آموزان و دانشجویان، هم‌چون قانون اساسی ایران، مورد توجه می‌باشد. اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، افزون بر آموزش، تربیت بدنی را به عنوان تمامی مقاطع تحصیلی و حتی در آموزش عالی لازم دانسته است. افزون بر این، اطلاع‌رسانی در زمینه خشونت‌های جنسی و اینترنتی و نیز ارائه آموزش رفتار جنسی و آموزش تن‌دادن^۲، در ماده ۲-۱۲۱ کد آموزش فرانسه مورد توجه بوده که در قوانین ایران، توجهی بدان نشده است. این هدف، به عنوان یکی از اهداف مقرر در بند ۴-۷ سند ۲۰۳۰ بوده که سند اینچئون، تمهیداتی برای تحقق آن در نظر گرفته و دولت‌ها را ملزم به بودجه‌بندی و پایش آن نموده است. افزایش درصد مدرسی که تا پایان سال ۲۰۳۰، به آموزش‌های جنسی، مقابله با ایدز و

است که رایگان بودن آموزش، به عنوان یکی از اصول این حق، مورد پذیرش قرار گرفته و با وجود آن، می‌توان از برخورداری کودکان محروم، از آموزش اطمینان پیدا کرد. عدم تبعیض نیز یکی از اصول حاکم بر حق آموزش است که با تضمین برخورداری از این حق به صورت مساوی، در تحقق اهداف آن برای همگان می‌کوشد. باتوجه به ماده ۱ کنوانسیون مبارزه با تبعیض در امر آموزش (۱۹۶۰) و بند ج ماده ۲ کنوانسیون بین‌المللی جلوگیری و مجازات جنایت آپارتاید (۱۹۷۳)، تبعیض در آموزش، شامل هرگونه برتری بر مبنای رنگ، نژاد، زبان جنسیت، دین و عقیده، و بی‌بهره کردن اعضای یک گروه از آموزش است. تبعیض موجب برتری یک گروه نسبت به گروه دیگر شده و از آن جا که افراد فاقد آموزش، از حقوق قانونی خود نسبت به آزادی، سلامت، تساوی و... بی‌اطلاع هستند، تسلط بر آنان سهل خواهد بود. این امر، اصل کیفی بودن آموزش را نیز با چالش مواجه خواهد کرد.

اصل آزادی آموزشی نیز، از دیگر اصول حق آموزش است که ارتباط مستقیمی با کیفیت آموزش دارد. حق بر آزادی در حوزه آزادی اطلاعات، با حق آموزش ارتباطی ناگسستگی دارد. براساس بند ۳ ماده ۱۵ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، دولت‌ها متعهد به رعایت آزادی تحقیقات علمی و فعالیت‌های خلاقانه هستند. این حق در ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق حقوق مدنی و سیاسی نیز به صورت آزادی جستجو، کسب و نشر اطلاعات به رسمیت شناخته شده و بند ۳۰ توصیه‌نامه یونسکو، درباره وضعیت کارکنان آموزش عالی (۱۹۹۷)^۱ نیز، موید لزوم برخورداری اساتید از آزادی در انتقال اطلاعات است. محرومیت و اخراج اساتید به دلیل فعالیت‌های سیاسی از آن جمله است که به دلیل محروم کردن دانشجویان از وجود اساتید برجسته، در کیفیت آموزش تاثیرگذار می‌باشد. اصول حق آموزش، گرچه اصولی مجزا و دارای اهمیت است، اما هدف نهایی همه، تأمین کیفیت آموزشی است. لذا برای تحقق اصل کیفی بودن آموزش، رعایت هریک از این اصول، ضرورت دارد.

^۱ - Recommendation concerning the Status of Higher Education Teaching Personal, 1997.

^۲ - Non- Conseritement

بعد ماهوی، نیازمند برنامه‌ریزی فرهنگی برای تحقق اهداف آموزشی است. نظریه تأخر، از جهت تأمین نیازهای آموزشی مدرن با بعد شکلی آموزش، ارتباط دارد، اما به دلیل تأکید بر لزوم شناخت و تطبیق جلوه‌های مادی نوین با فرهنگ جامعه، تأثیر بیشتری در بعد ماهوی آموزش دارد. این جلوه‌های مدرن، از یک‌سو، بعد مادی و قابل لمس بوده و از سوی دیگر، می‌تواند دیدگاه‌هایی باشد که تحت تأثیر تحولات بین‌المللی در جامعه به وجود آمده ولی نتوانسته، جایگاه واقعی خود را پیدا کند. کیفیت آموزشی در حقوق ایران، مورد توجه بوده، با این وجود، کاستی‌هایی در این زمینه وجود دارد که در مواردی ناشی از عدم انطباق جلوه‌های مختلف فرهنگ است.

سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰)، پیش از تصویب سند ۲۰۳۰، اهدافی چون قانون‌مداری، توانایی اشتغال، بهداشت و سلامت، گسترش فضایل اخلاقی، خویشتن‌داری، پیشگیری از جرم^۱، ارائه مشاوره‌های روانشناسی و... را تدوین نموده است. جامعه‌پذیری کودک لازمه حضور در کلاس درس و در کنار دیگر دانش‌آموزان است. مکان آموزش افزون بر ایمنی و استاندارد مناسب بهداشتی، می‌بایست متناسب با اهداف آموزش باشد. اولین قانونی که به کیفیت کلاس‌های درسی پرداخته، قانون راجع به آموزش و پرورش عمومی اجباری و مجانی (۱۳۲۲) است. براساس این قانون، ساختمان مدارس می‌بایست با اصول مهندسی و متناسب با آب و هوای هر منطقه احداث شود. برنامه‌های پنج‌سالانه توسعه و سند تحول بنیادین آموزش و پرورش نیز، این مسأله را مورد توجه قرار داده‌اند. برنامه پنج‌ساله ششم توسعه، دولت را موظف به افزایش ایمنی مدارس و فضاهای آموزشی نموده است. بنابراین سه ویژگی در دسترس بودن، دارا بودن معیارهای ایمنی و بهداشتی و

مهارت‌های زندگی می‌پردازند، جزو مواردی است که در این سند مقرر شده و کشورهای تابع، اقدام به درج آن در مقررات خود نموده‌اند که باتوجه به وجود تعارضاتی میان قوانین ایران با این سند و عدم تصویب آن، مورد اجرا نمی‌باشد.

تسلط به زبان فرانسه و آشنایی با دو زبان دیگر جزئی از اهداف عینی و بنیادین آموزش را تشکیل می‌دهد. زبان آموزش، زبان برگزاری آزمون‌ها و نگارش رساله‌های دکترا و پایان‌نامه کارشناسی ارشد در مؤسسات دولتی و خصوصی، زبان فرانسه است، با این وجود، ممکن است به دلیل ضرورت آموزش زبان‌ها و فرهنگ‌های منطقه‌ای یا خارجی، دعوت اساتید از کشورهای دیگر، ضرورت‌های فن تعلیم، زمانی که آموزش‌ها در چارچوب یک توافق‌نامه با موسسه خارجی بین‌المللی یا یک برنامه اروپایی ارائه می‌گردد، ارایه دوره‌ها و دیپلم‌های چندزبانه کشورهای همسایه، استثنائاتی موجه باشند (ماده ۴-۱۲۱) از دیگر اهداف آموزش، آماده‌سازی دانش‌آموزان برای زندگی در جامعه و مهیا نمودن شهروندان مسئولیت‌پذیر و آزاد و آگاه از اصول و قواعد مردم‌سالاری، تهیه، اجرا و ارزش‌یابی برنامه‌های آموزش سلامت، با هدف توسعه اطلاعات دانش‌آموزان در مورد سلامت خود و سایرین، مشارکت در اجرای سیاست پیشگیرانه سلامت، در سطوح ملی، منطقه‌ای و خدمات سلامت سیار و بیمارستانی کشف زودهنگام مشکلات مربوط به سلامت جسمی و روانی و یا کشف موارد فقدان مراقبت‌های مانع فعالیت تحصیلی می‌باشد. موارد فوق‌الذکر همگی جزء اهداف عینی مورد تأکید در کد قانونی کشور فرانسه هستند که دولت را مکلف نموده سالانه گزارشی مستند در میزان تحقق اهداف به پارلمان و مردم ارائه کند.

۳- ارتباط نظریه تأخر فرهنگی و اصل کیفی بودن آموزش در حقوق ایران

گرچه تأخر فرهنگی، در پی بررسی اصول حق آموزش براساس قوانین و مقررات نبوده، اما نظریه‌ای است که ارتباط تنگاتنگی با اصل کیفی بودن آموزش دارد. کیفیت آموزش، دارای ابعاد شکلی و ماهوی است. ابعاد شکلی آن، با بهبود شرایط فیزیکی مدارس، تعداد معلمان و... محقق می‌شود؛ اما

^۱ - برنامه پنجم توسعه، قوه قضائیه را ملزم به تهیه لوایح قضایی برای کاهش جرایم کرده است. گسترش فرهنگ قانون‌مداری، آموزش همگانی، آموزش حقوق شهروندی توسط صداوسیما، پیش‌بینی مواد درسی، آموزش زندانیان و... در دستور کار قرار دارد و به منظور آشنایی با حقوق و تکالیف شهروندی، واحد درسی با عنوان «آشنایی با کلیات حقوق شهروندی» به عنوان درس اختیاری، در مقاطع تحصیلی کردانی و کارشناسی به دانشگاه‌ها ابلاغ شده است.

متناسب بودن با اهداف آموزشی برای مکان آموزش ضروری است.

سیاست‌های کلی ایجاد تحول در آموزش و پرورش (۱۳۹۲)، با تاکید بر نقش معلمین در ارتقای آموزش و پرورش، خواهان افزایش تخصص معلمان، جذب معلمان کارآمد و افزایش اعتلای ایشان است. توجه به معلمان، استرس ایشان را کاهش داده و موجب تمرکز بیشتر بر امر تعلیم می‌شود (شارع‌پور، ۱۳۹۴: ۲۹۳). توجه به کیفیت آموزش، علاوه بر سند تحول بنیادین، در برنامه پنج‌ساله پنجم و ششم توسعه نیز مشهود است. بهره‌گیری از رویکردهای نوین آموزشی، آموزش زبان خارجی، احداث کتابخانه و فضاهای ورزشی، نوسازی و مقاوم‌سازی مدارس، تجهیز فضاهای آموزشی، تسهیل اردوهای فرهنگی، روزآمدی، کارآمدی و اسلامی کردن علوم انسانی، توسعه فرهنگ هنر و ورزش از دیگر برنامه‌های این قانون است. بدین‌منظور، امروزه، روش‌های نوین آموزشی هم‌چون داستان‌نویسی، مذاکره، نمایش، گردش علمی، بحث و گفتگو، تحلیل برنامه‌های رسانه‌ای، انجام پروژه‌های تحقیقاتی، مشارکت در پروژه حقوق بشری، مشارکت در فعالیت‌های بشردوستانه، جایگزین روش‌های سنتی است. استفاده از روش‌های نوین آموزش، با توجه به مجازی شدن کلاس‌ها، رو به پیشرفت بوده و گرچه در برخی مناطق محروم، با محدودیت‌هایی از قبیل دسترسی به اینترنت و گوشی همراه روبرو بوده، اما موجب بهبود زیرساخت‌ها و افزایش دسترسی به آن شده است.

اجرای طرح مدام در مدارس کشور که دانش‌آموزان، یک روز در سال، اداره مدرسه را برعهده می‌گیرند موجب آشنایی با مشکلات مدرسه، مسئولیت‌پذیری، افزایش اعتمادبه‌نفس و... می‌گردد.^۱ حس مسئولیت‌پذیری، پرورش مهارت‌های زندگی و اجتماعی، تقویت برنامه‌ریزی مدیریت آموزشی و شرکت و هم‌فکری در حل مشکلات، از اهداف این طرح می‌باشد. طرح امین، جهت حضور روحانیون در مدارس به منظور پاسخگویی به سؤالات شرعی و فعالیت‌های فرهنگی و

تربیتی،^۲ طرح اندیشکده، به منظور ایجاد مهارت شغلی در دانش‌آموزان دوره اول و دوم دبیرستان^۳ و طرح نماد به منظور انجام اقدامات پیشگیرانه نسبت به اعتیاد، از دیگر طرح‌هایی است که در مدارس کشور و با هدف بهبود شیوه‌های آموزشی انجام می‌گیرد.^۴ این طرح‌ها، که براساس قوانین ذکر شده، پیش‌بینی و اجرا می‌شوند، ابزاری در راستای تحقق اصل کیفی بودن آموزش بوده و گرچه، در کوتاه‌مدت نیز دارای آثار مثبت می‌باشد، لیکن، تأثیر اساسی آن، در بلندمدت قابل مشاهده است.

ورود ماهواره، تلفن همراه، شبکه‌های اجتماعی و... نمونه‌هایی از ورود سویه مادی فرهنگ بیگانه به کشور است که مغایر با فرهنگ سنتی یا مذهبی ایران می‌باشد. در فرهنگ ایرانی، ارتباط رودررو و حضور در جمع‌های خانوادگی جزو ارزش‌های سنتی است، درحالی‌که این ابزار به عنوان زنگ خطری برای فاصله گرفتن کودکان از خانواده و گرایش به فرهنگ بیگانه به شمار می‌رود. گرچه گسترش تکنولوژی‌های جدید، امکان دسترسی به اطلاعات را بیشتر کرده و باعث به وجود آمدن نسلی آگاه‌تر می‌گردد، اما ناآگاهی نسبت به نحوه استفاده و مضرات آن، به‌ویژه در کودکان، می‌تواند به تجاوز به حریم خصوصی و سوءاستفاده از آن منجر گردد. نظام آموزش و پرورش ایران که در انتقال ارزش‌ها و هویت فرهنگ ملی و مذهبی خود نیز ناتوان بوده، به جای فراهم کردن زمینه‌های رشد سویه معنوی فرهنگ و آشنا کردن کودکان و خانواده‌ها با چگونگی استفاده از این ابزار و تطبیق آن با آداب و رسوم ایرانی، اغلب و به جای شناخت فواید آن، تنها بر زیان‌های آن تاکید کرده و به انکار یا ناپسند شمردن آن، اقدام شده است.

محتوای آموزش، باید دارای دو ویژگی قابل پذیرش بودن^۵ و انطباق پذیری^۶ باشد (CESCR, 1999: para.6). زمانی که آموزش منطبق با وضعیت و نیازهای روز باشد، برای

^۲- <http://www.irna.ir>

^۳- <http://www.borna.news>

^۴- <http://www.borna.news>

^۵-Acceptability

^۶-Adaptability

^۱- <http://www.ilna.news>

خانواده‌ها و کودکان قابلیت پذیرش بیشتری خواهد داشت؛ در غیر این صورت، کودک را دچار تعارض و سرخوردگی خواهد کرد. هنگامی که میان آموزش غیررسمی یا آموخته‌های کودک در خانواده، با آنچه که از راه آموزش رسمی در مدارس و رسانه‌های جمعی آموزش داده می‌شود، ناسازگاری وجود داشته باشد، کودک نه تنها نمی‌تواند به فرهنگ و سنت موجود در جامعه پای‌بند باشد، بلکه از فرهنگ سنتی و هنجارهای اجتماعی فاصله خواهد گرفت. الگوهایی که از طریق فناوری‌های نوین، برای کودکان ایجاد می‌شود، سریع، تاثیرگذار و به سختی قابل تغییر است (بیگی، ۱۳۸۴: ۲۴)؛ از این رو، آموزش و پرورش برای به جای آوردن کارکردهای خود نیاز به یک سیستم پویا دارد تا بتواند باورهای افراد جامعه را به منظور توسعه تغییر دهد و یا سویه مادی فرهنگ را با ارزش‌های دیرینه هماهنگ کرده و میان سویه مادی و معنوی فرهنگ تناسب ایجاد کند (صادقی‌رام، ۱۳۹۹: ۱۳۶).

با توسعه روش‌های ارتباط جمعی، معاملات تجاری، تعاملات فرهنگی و... ارتباطات انسانی و اجتماعی نیز افزایش یافته و همین امر، منجر به ورود ابعاد گوناگون فرهنگ خارجی به جامعه می‌شود. این مسأله، اجتناب‌ناپذیر بوده و حتی می‌تواند آثار مثبتی چون دستیابی به دانش‌ها و فناوری‌های نوین، باورهای انسانی، افزایش رواداری، آشنایی با روش‌های زندگی، سیاست، اقتصاد و... را به همراه داشته باشد. بنابراین، نمی‌توان به استناد بیگانه بودن فرهنگ، از ورود آن جلوگیری کرد. در مقابل، باید با بهره‌گیری از این تحولات، زمینه پیشرفت فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی فراهم شود. نظام‌های آموزشی به عنوان عامل انتقال میراث اجتماعی، با تطبیق فرهنگ قدیم و جدید و تربیت افراد جهت پذیرش تحولات فنی و تکنولوژیک مدرن و نیز جلوگیری از عقب ماندگی فرهنگی می‌توانند به عنوان عامل پیش‌برنده اجتماعی نیز عمل کنند (منافی شرف آباد و زمانی، ۱۳۹۱: ۷۳ - ۷۴).

امروزه جوامع انسانی با پیشرفتی مستمر همراه هستند. هم‌گامی با این پیشرفت‌ها نیازمند به روزرسانی آموخته‌هاست، در غیر این صورت، با جامعه و انسان‌هایی سرشار از یافته‌های بی‌ارزش روبرو خواهیم بود که هیچ هماهنگی با دنیای خارج

ندارند. آموزش باید باتوجه به تحولات موجود در جامعه پیشرفت کند و به صورت پیوسته، به روزرسانی شود تا اشخاص، امکان برخورداری از آموزش‌های نوین را داشته باشند. ویژگی تدریجی بودن آموزش نیز، به تعهدات مستمر دولت در تحقق این حق، اشاره دارد. گرچه دولت‌ها به نسبت توانایی و به صورت تدریجی ملزم به تأمین حق آموزش هستند، اما این امر نمی‌تواند انفعال دولت‌ها را پذیرفتنی کند و برخی از اقدامات هم‌چون لغو قوانین نابرابر ساز که دولت‌ها بلافاصله باید انجام دهند (Fidler, 1999: 184). هدف حقوق مثبت، فراهم کردن و توزیع مناسب امکانات میان انسان‌ها است (Chauffour, 2009: 31-32). براساس میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، وظیفه دولت‌ها در فراهم کردن حقوق مثبت، شامل تعهد به احترام^۱، تعهد به ایفا^۲ و تعهد به حمایت^۳ است (کریون، ۱۳۸۷: ۱۵۲ - ۱۵۳). تعهد به احترام، بیان‌گر تعهد دولت‌ها به خودداری از مداخله در آزادی‌های فردی است (کریون، ۱۳۸۷: ۱۵۳). تعهد به ایفا، دولت‌ها را ملزم به انجام اقدامات بایسته برای دستیابی به حقوق میثاق می‌داند (قاری سیدفاطمی، ۱۳۹۰: ۵۹ - ۶۰ و کریون، ۱۳۸۷: ۱۵۳). تعهد نوع سوم، نیازمند وضع قوانین مدنی و کیفری، برای جلوگیری از تجاوز دیگران به این حقوق است (کریون، ۱۳۸۷: ۱۵۳).

گرچه، تساوی و عدالت، از مفاهیم اولیه جوامع انسانی است، اما همیشه مورد توجه حکومت‌ها نبوده و هر حکومتی براساس ایدئولوژی‌های موجود، تساوی و عدالت را به گونه‌های مختلف، تفسیر کرده است. برابری و عدم تبعیض، به دو صورت می‌تواند محقق شود، از یک سو با ایجاد امکانات برابر برای برخورداری همه اشخاص از حق آموزش فارغ از قومیت و نژاد و زبان و جنسیت، از سوی دیگر، با آموزش رواداری و احترام به حقوق دیگر انسان‌ها با تفاوت‌های فرهنگی و زبانی و... آموزش‌های مورد نیاز برای ایجاد یک ملت متحد با اهداف واحد که با وجود تفاوت‌های مذهبی،

^۱ - Obligation to Respect

^۲ - Obligation to Fulfill

^۳ - Obligation to Protect

فرهنگی و نژادی و قومی و جنسیتی بتوانند در کنار یکدیگر برای رسیدن به اهداف واحد زندگی کنند، از وظایف دولت می‌باشد. اگر فرهنگ حاکم؛ تلاش در به سلطه در آوردن دیگر فرهنگ‌ها کند، نه تنها یک فرهنگ یکسان شکل نمی‌گیرد، بلکه دیگر فرهنگ‌ها نیز احساس خطر کرده و از فرهنگ غالب دور خواهد شد (فکوهی، ۱۳۸۹: ۲۱۱). در یک فرهنگ، هیچ معیار مطلقی برای قضاوت در مورد فرهنگ‌های دیگر وجود ندارد و بد یا خوب دانستن فرهنگ بر هیچ معیار عینی و فرا فرهنگی استوار نیست (Hofstede, 1997: 7). اعلامیه جهانی تنوع فرهنگی (۲۰۰۱)^۱ نیز، از دولت‌ها می‌خواهد که سیاست تکثرگرایی را در پیش بگیرند.

تحولات سریع بین‌المللی، که منتهی به گسترش مفاهیم عدالت، برابری و مطالبه‌گری از دولت شده و تأثیر فراوانی در جوامع انسانی داشته است. در جامعه‌ای همچون ایران که از دیرباز، دارای فرهنگ‌ها، مذاهب و قومیت‌های مختلف بوده، لزوم آموزش احترام به دیگران و رواداری اهمیت فراوانی دارد. فقدان آموزش مناسب در این زمینه، منتهی به ایجاد اختلافات میان گروه‌های متفاوت شده و امنیت جامعه آرامش و تعلق خاطر اقلیت‌ها را نسبت به جامعه و کشور کاهش دهد. باید به مردم آموزش داده شود تا سطح تحمل خود را بالا برده و برای همه انسان‌ها با هر رنگ و نژاد و مذهب و جنسیتی احترام قائل شوند و از رفتارهای تعصب آمیز خودداری کنند (صادقی، ۱۳۹۵: ۱۷۱ - ۱۷۲). گرچه دولت ایران، تلاش وافی برای تحقق آموزش در مناطق محروم داشته، اما همچنان، کمبودهای فراوانی در مناطق روستایی و عشایری به‌ویژه در مناطق مرزی که اغلب از اقلیت‌های قومی می‌باشند مشهود است. حضور زنان در جامعه و در فعالیت‌های مختلف، حضور اشخاص معلول در جامعه، حضور اتباع دیگر کشورها که برای فعالیت‌های کاری و یا گریز از وضعیت نامساعد کشور خود به ایران آمده‌اند، نیز مستلزم آموزش‌های لازم برای رعایت حقوق این اشخاص است.

وضع قوانین حمایتی و لغو قوانین تبعیض آمیز نیز، از ضرورت‌های تحقق کیفیت آموزش است. یکی از ویژگی‌های مهم قانون تطبیق آن با نیازهای جامعه است. از سوی دیگر، تنظیم قانون، نیازمند مراجعه به نظریات حقوق دانان نیز می‌باشد. حقوق دانان با بررسی نیازهای حقوقی یک جامعه و با در نظر گرفتن آثار قوانین سابق و تأثیری که وضع قانون جدید می‌تواند بر جامعه داشته باشد، اقدام به تدوین قانون می‌کنند. بی‌توجهی به نیازهای اجتماعی و دیدگاه حقوق دانان، قانون را از توجه عمومی محروم کرده و آن را متروک می‌کند (صانعی، ۱۳۸۹: ۷۵ و ۱۷۷). مساله اجتهاد در حقوق اسلامی نیز، در راستای تطبیق قوانین با نیازهای روز اجتماع می‌باشد. چنان‌که در ادوار مختلفی پس از انقلاب، شاهد وضع قوانین حمایتی و تغییر و تحول در قانون مدنی در اموری همچون قیمومیت، نکاح و... در راستای حمایت از زنان و کودکان و تغییرات قانون مجازات اسلامی، درخصوص دیه غیرمسلمانان، دیه زنان، تعدیل مجازات سنگسار و... در راستای برابری حقوق افراد جامعه و انسانی‌تر کردن قوانین بوده‌ایم که بیان‌گر توجه به مسائل و نیازهای روز در وضع و تحول قوانین است. تحول در قوانین ایران، پس از انقلاب، همواره بارعایت به اصول و مقررات شرعی و در راستای تحقق تعهدات بین‌المللی صورت گرفته است.

نتیجه‌گیری

دولت‌ها در راستای تعهدات خود نسبت به تحقق حق آموزش، ملزم به رعایت تمام اصول حق آموزش هستند. یکی از مهم‌ترین اصول این حق، تضمین کیفیت آموزش است. کیفیت آموزش، علاوه بر این که دربردارنده مسائل شکلی همچون تعداد کلاس‌ها، تعداد معلمان، فضای مناسب کلاس، دسترسی به امکانات نوین و... است، مسائل ماهوی را نیز در بر می‌گیرد. مهم‌ترین مسأله در باب کیفیت ماهوی آموزش، توجه به محتوای آموزش‌های ارائه شده است. گرچه، آموزش‌های ابتدایی و اولیه در خانواده ارائه می‌شود، اما دولت به عنوان بالاترین قدرت یک جامعه، در راستای تحقق حقوق مثبت، وظیفه تأمین و حمایت از این حق آموزش را بر عهده دارد. لذا تضمین کیفیت در محتوای آموزش، از وظایف دولت است.

^۱ - Universal Declaration on Cultural Diversity, 2001.

نظریه تأخر فرهنگی، یکی از نظریات توجیه کننده کیفیت آموزشی است. براساس این نظریه، جلوه‌های مادی و معنوی فرهنگ باید با یکدیگر هماهنگ باشند، در غیر این صورت، آموزش، ناکارآمد و فاقد کیفیت بوده و اهداف حق آموزش تأمین نخواهد شد. کیفیت آموزشی، هم دارای بعد مادی و هم دارای بعد معنوی است و زمانی که بعد مادی فرهنگ، از بعد معنوی آن پیشی می‌گیرد، مسایلی به وجود می‌آید که هیچ راه کاری برای برخورد با آن جود ندارد و همین مسأله، باعث سردرگمی و مشکلات هویتی می‌شود. ناسازگاری‌های اجتماعی چون تعصب، نادیده گرفتن حقوق اقلیت‌ها، زنان، اشخاص دارای ناتوانی‌های جسمی و ذهنی و... ارتکاب جرم، از نتایج نادیده گرفتن این اصل است.

باتوجه به نظریه آگ‌برن، انطباق بعد مادی و معنوی، نیازمند وجود آموزش‌های لازم برای برخورد با مسائل موجود است. ایران، کشوری دارای تنوع قومی، زبانی، فرهنگی و مذهبی است. وجود این تنوع، نیازمند، آموزش‌های اساسی برای ایجاد حس احترام به دیگران، رواداری، گذشت، عدم تعصب و... است. از سوی دیگر، باتوجه به این که صرف آموزش نمی‌تواند تحقق کامل یک حق را به همراه داشته باشد، وضع قوانین حمایتی یا لغو قوانین تبعیض آمیز و نیز وضع قوانین کیفری برای مجازات نقض این حق، از ضروریات اجتماعی است. این راه کارها، ابزاری جهت هدایت اشخاص جامعه برای برخورد با وضعیت‌های موجود است که نه تنها، کیفیت آموزش را افزایش می‌دهد، بلکه کاهش ناسازگاری اجتماعی، کاهش جرم، افزایش احترام، رواداری و قانون‌مداری را به همراه خواهد داشت. آموزش می‌تواند جامعه‌پذیری و گسترش ابعاد فرهنگی یا به عبارتی توسعه فرهنگی را موجب شود. بدون توجه به ابعاد یک جامعه پویا نمی‌توان آموزش را در مسیر مناسب خود قرار داد. برای ایجاد یک جامعه چند فرهنگی اول باید آن را پذیرفت و متناسب با آن جامعه، اقدام به آموزش نمود. آموزش و پرورش، تنها در مدارس انجام نمی‌گیرد بلکه رسانه‌های مختلف از شبکه‌های اجتماعی تا انواع و اقسام کانال‌های تلویزیونی می‌تواند در این زمینه مؤثر باشد. تبعیض در هر شکلی نكوهیده بوده و تک فرهنگی، داشتن صدای واحد و اقدام به حذف فرهنگ‌های دیگر

نتیجه‌ای جز ویرانی آن جامعه نخواهد داشت. در نتیجه باید گفت حق آموزش یکی از ضرورت‌های هر توسعه و موفقیت هر جامعه‌ای می‌باشد.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

تعارض منافع: در این مقاله هیچگونه تضاد منافی وجود ندارد.

سهم نویسندگان: نگارش مقاله مشترکاً توسط نویسندگان صورت گرفته است.

تشکر و قدردانی: از کلیه کسانی که در معرفی منابع و تهیه این مقاله ما را یاری رساندند، تشکر و قدردانی می‌نماییم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش فاقد تأمین کننده مالی بوده است.

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی

- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۹۰). جامعه‌شناسی توسعه (اصول و نظریه‌ها). چاپ دوم، تهران: نشر علم.

- آگ‌برن، ویلیام فیلدینگ و نیمکوف، مایر (۱۳۸۸). زمینه جامعه‌شناسی. ترجمه امیرحسین آریان پور، چاپ دوم، تهران: گستره.

- بازرگان، عباس (۱۳۹۹). ارزشیابی آموزشی (مفاهیم، الگوها و فرایندهای عملیاتی). چاپ هجدهم، تهران: سمت.

- بیگی، جمال (۱۳۸۴). بهره‌دهی اطفال در حقوق ایران. چاپ اول، تهران: میزان.

- حجتی، سیدمحمدباقر (۱۳۷۴). اسلام و تعلیم و تربیت. جلد اول، چاپ شانزدهم، تهران: فرهنگ اسلامی.

- راسخ، محمد (۱۳۹۵). حق و مصلحت (مقالاتی در فلسفه حقوق، فلسفه حق و فلسفه ارزش). جلد دوم، چاپ چهارم، تهران: نی.
- رحیمی، علیرضا (۱۳۸۸). «گزاره‌هایی اساسی در باب تعامل تربیت و فرهنگ عمومی». مطالعات فرهنگ-ارتباطات، ۷: ۴۷-۷۱.
- روح‌الامینی، محمود (۱۳۸۱). زمینه فرهنگ شناسی. چاپ هفتم، تهران: عطار.
- ساکی، محمدرضا (۱۳۹۲). حمایت کیفری از حقوق بشر (جرم‌نگاری و ضمانت اجرا). چاپ اول، تهران: میزان.
- سبحانی‌نژاد، مهدی و مناف‌شرف‌آباد، کاظم (۱۳۹۰). جامعه شناسی آموزش و پرورش (مبانی، رویکردها، سیر جامع نظریه‌ها و حوزه‌های شاخص). چاپ اول، تهران: یسپرون.
- شارع‌پور، محمود (۱۳۹۴). جامعه‌شناسی آموزش و پرورش. چاپ سیزدهم، تهران: سمت.
- شریعتمداری، علی (۱۳۹۲). جامعه و تعلیم و تربیت: مبانی تربیت جدید. چاپ بیست‌وسوم، تهران: امیر کبیر.
- شعاری‌نژاد، علی‌اکبر (۱۳۹۵). فلسفه آموزش و پرورش. چاپ شانزدهم، تهران: امیر کبیر.
- شهرکی‌پور، حسن (۱۳۹۱). «عوامل مؤثر بر افزایش کیفیت آموزشی دوره‌های کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد دانشکده علوم تربیتی (مطالعه موردی واحد رودهن)». پژوهش در برنامه‌ریزی درسی، ۳۴: ۱۱۸-۱۲۴.
- صادقی، سالار (۱۳۹۵). جرایم ناشی از نفرت با تاکید بر مکتب جرم‌شناسی پست مدرن. چاپ اول، تهران: مجد.
- صادقی‌رام، رقیه (۱۳۹۹). حمایت کیفری از حق بر آموزش؛ مبانی و جلوه‌ها. به راهنمایی دکتر سعید قماش و دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، کاشان: دانشگاه کاشان.
- صانعی، پرویز (۱۳۸۹). حقوق و اجتماع. چاپ دوم، تهران: طرح نو.
- عضدانلو، حمید (۱۳۸۴). آشنایی با مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی. چاپ اول، تهران: نی.
- علاقه‌بند، علی (۱۳۹۸). جامعه شناسی آموزش و پرورش. چاپ شصت‌وسوم، تهران: نشر روان.
- علوی‌نژاد، عباس و دیگران (۱۳۹۵). مجموعه گزارش‌نشست‌های علمی پیشگیری از جرایم و آسیب‌های اجتماعی. چاپ اول، تهران: خرسندی.
- عمادزاده، مصطفی (۱۳۹۱). اقتصاد آموزش و پرورش. چاپ سی‌ام، اصفهان: جهاد دانشگاهی.
- فرجی‌ارمکی، اکبر (۱۳۸۶). «رسالت و نقش دانشگاه آزاد اسلامی در تمدن‌سازی و تولید علم دینی، فصلنامه دانشگاه آزاد اسلامی». نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، ۴: ۶۴-۸۰.
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۹). همسازی و تعارض در هویت و قومیت. چاپ اول، تهران: گل آذین.
- قاری سیدفاطمی، سیدمحمد (۱۳۹۰). حقوق بشر در جهان معاصر. جلد اول، چاپ سوم، تهران: شهر دانش.
- کریون، متیو (۱۳۸۷). چشم‌اندازی به توسعه میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی. ترجمه محمد حبیبی مجنده، چاپ اول، قم: دانشگاه مفید.
- کوئن، بروس (۱۳۸۴). درآمدی بر جامعه‌شناسی. ترجمه محسن ثلاثی، چاپ بیست‌وسوم، تهران: توتیا.
- گوتک، جرالدا، آل (۱۳۹۹). مکاتب فلسفی و آرای تربیتی. ترجمه محمد جعفر پاک سرشت، چاپ نوزدهم، تهران: سمت.
- گودرزی بروجردی، محمدرضا (۱۳۸۴). سیاست جنایی قضایی. چاپ اول، تهران: سلسبیل.

Code de l'éducation, edition: 16/07/2021 available at <http://codes.droit.org/PDF/Code%20de%20l%20A9ducation.pdf>.

-Committee on the Rights of the Child (CRC), General Comment, no.1, "the Aims of Education", 2001.

- Committee on the Economic, Social and Cultural Rights (CESCR), General Comment, no.13, "the Right to Education", 1999.

- Recommendation concerning the Status of Higher Education Teaching Personnel, 1997.

- Recommendation concerning the Status of Teachers, 1996.

- Transforming our world: the 2030 Agenda for Sustainable Development, 2015.

- UNESCO Country Programming Document for the Islamic Republic of Iran, 2010-2013, 2010.

- United Nation Development Programme, "Human Development Report", New York, USA, 2016.

- World Bank Group Flagship Report, "Learning to Realize Education's Promise", 2018.

- Universal Declaration on Cultural Diversity, 2001.

- محسنی، فرید (۱۳۹۴). *جرم‌شناسی*. چاپ اول، تهران: دانشگاه امام صادق.

- معین، محمد (۱۳۸۸). *فرهنگ معین*. دوره یک جلدی، چاپ چهارم، تهران: زرین.

- منافی شرف‌آباد، کاظم و زمانی، الهام (۱۳۹۱). «نقش نظام آموزش و پرورش در توسعه فرهنگی جامعه». *نشریه مهندسی فرهنگی*، ۷۳ و ۷۴: ۱۳۴-۱۵۲.

- وثوقی، منصور و نیک‌خلق، علی‌اکبر (۱۳۹۵). *مبانی جامعه‌شناسی*. چاپ بیست‌وپنجم، تهران: بهینه.

ب. منابع انگلیسی

- Beiter, K (2005). *The Protection of the Right to Education by International Law*. 1st ed., Netherlabd: Matrinusnijhof publishing.

- Chauffour, J (2009). *The Power of Freedom: Uniting Human Rights and Development*. 1st ed., U.S: Cato Institute.

- Conde, V (2002). *A Handbook of International Human Rights Terminology*. 2nd ed., U.S: University of Nebraska press.

- Hofstede, G & et al. (1997). *Culture and Organization: Software of the Mind*. 1st ed., U.S: Mc Graw Hill.

- Fidler, D (1999). *International Law and Infectious Diseases*, 1st ed., U.K: Oxford University Press.

- Hornby, A (2007). *Oxford Advanced Learners Dictionary*, 6th ed., U.K: Oxford University press.

- Morgan, A (2012). *The Protection of the Right to Education in the International, European and Inter-American Human Rights System*. Thesis in Central European University, Budapest: Central European University.

- Narveson, J (2021). *the Libertarian Idea*, (2001). 1st ed., Canada: Broadview Press.